

درس ۷
صفحه‌های ۶۱ تا ۶۶
کتاب فارسی
مهارت‌های نوشتن

ه ه -

امام به ایران آمد.
دبستان ما نمونه است.
بنزین زود می سوزد.
زمستان سرد است.
امروز نامه رسان آمد.
او نامه ای به آزاده داد.
آرزو با نان تازه آمد.
آرزو دوست آزاده است.
او در سمنان است.
مادر سارا، او را به موزه می برد.
بابا با روزنامه آمد.
سودابه مداد سبز دارد.
از تنور بی بی، دوده می ریزد.
مادر سارا در مدینه است.
امام انسانی نمونه بود.
اسم دوست من، ترانه است.
این سبزی تازه نیست.
نادر رزمنده بود.
بر دست مادر، بوسه بز.
آن ستاره را دیده ای؟

امام - ساده - دانه - مداد - نرده - مدرسه - ایران - ما - انسان
مداد آمین - سبذ توت - نامه ای - ستاره ای - دانه ای - دبستان - آزاده
تازه - ستاره

اسم - متر - زیر - سه

امروز - سبزه - روزه - موزه - نادر - تیره - بیمه - دراز - بوسه
ماسه - تره - دنده - رنده - دوده - زنده - سوره - بسته - دسته - بنزین
امداد - سمنان

آباد - آماده - سودابه - ادامه - اداره - مردانه - زنانه - اندازه
آرزو - ترانه - روزنامه - تابستان - زمستان - رائنده - رزمنده
سازنده - دوزنده - برنده - بادبز - مدینه - نمونه - نادره - مرتبه
نامه رسان

بزَنَم - بزَنی

بِمَانَم - بِمَانی

بِدَوَزَم ... بَسَاژَم ... بِرِیزَم

بوده ام ... دیده ای ... آمده است ... ترسیده بود